

نوع مقاله: پژوهشی


## واکاوی عوامل انحراف اقتصادی یهود در قرآن

azadf471@gmail.com

مهتری حکمت/ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی سمنان

رضا کهساری/ استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه آزاد اسلامی سمنان

kohsari888@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-7030-5895

Taheri-akerdi@iki.ac.ir

محمدحسین طاهری آکردی/ دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \* قم

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

### چکیده

یهودیت که از ادیان بزرگ الهی در قرآن کریم است، در طول تاریخ دچار انحرافات (از جمله انحرافات اقتصادی) بوده است. شناخت زمینه‌ها، عوامل انحراف و تأثیرگذاری سلطه یهود بر جوامع بشری از نگاه قرآن کریم ضرورت دارد. این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و رمزگذاری باز و بسته براساس آیات قرآن و دیدگاه‌های تفسیری معتبر، ابتدا مهم‌ترین مفاسد اقتصادی (مانند حرص و طمع شدید، اختکار، خیانت مالی، معاملات ممنوع، بخل، مال‌اندوزی، پیمان‌شکنی مالی و رواج ربا) در میان یهود را مطرح‌نظر قرار داده، سپس سه عامل اعتقادی، اخلاقی و عادت‌های رفتاری را تحلیل و توصیف کرده و آورده‌های ذیل به‌مثابه عوامل انحراف اقتصادی یهود شناخته شده است. بدین‌روی، اولاً، اساسی‌ترین عامل مادیگری و توجه به محسوسات، فقدان ایمان واقعی، شرک و اعتقادات باطل و ثانیاً، هوا و هوس اساسی‌ترین عامل اخلاقی بوده که موجب غرور، خودخواهی، مال‌دوستی و انحراف مالی یهود شده و ثالثاً، عادت‌های رفتاری متأثر از عوامل یک و دو، به عادت‌های غیرارادی (مانند دروغ‌گویی، ظلم، دشمنی) و در نتیجه انحرافات اقتصادی انجامیده است.

کلیدواژه‌ها: یهود، انحراف، اقتصاد، قرآن، عوامل.

چون اقتصاد در پیشرفت و عقبگرد مادی و معنوی جوامع بشری دارای نقش اساسی است، سلامت اقتصادی موجب پیشرفت و بهره‌مندی از منابع اقتصادی بیشتر می‌گردد. انحراف و فساد اقتصادی نیز عقب‌ماندگی اقتصاد، فساد اخلاقی، ایجاد نظام طبقاتی و بی‌عدالتی را در پی دارد. براساس گزارش‌های قرآن کریم قوم یهود دچار مفاسد اقتصادی شد و این از زمان‌های دور، در معادلات اقتصادی جوامع بشری همواره تأثیر منفی داشته و به‌تبع آن جنگ‌ها و مفاسد اخلاقی - اجتماعی را به دنبال آورده است. انحراف اقتصادی یهود از نظر قرآن نیازمند زمینه‌شناسی و واکاوی علل و عوامل آن است.

این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های تفسیری معتبر، براساس روش تحلیلی - توصیفی با نگرشی جامع، این موضوع را مطمح‌نظر قرار داده است.

در قرآن از قوم یهود به «بنی‌اسرائیل» نیز یاد شده که از پیروان آیین حضرت موسی علیه السلام به شمار آمده‌اند. با این اوصاف، بیشترین سخنی که از این قوم نسبت به اقوام دیگر به میان آمده، خصوصیات ناپسند اعتقادی، اخلاقی و اقتصادی آنان (مانند حریص‌ترین، بخیل‌ترین، مترف‌ترین، خائن‌ترین و پیمان‌شکن‌ترین امم) است.

بیشتر تحقیقاتی که در حوزه اقتصاد یهود انجام شده، متضمن انحراف اقتصادی یهود (مقاله «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی، دینی رسول خدا در مدینه» رحیمی و غلامی فیروزجائی، ۱۳۹۴)، رباخواری و غارتگری و پایبند نبودن آنان به موازین اقتصادی، (کتاب *زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران*، شهبازی، ۱۳۷۷) از عوامل انحراف آنان است. فقدان و کاستی تحقیقات گذشته در حوزه انحراف اقتصادی یهود که بعضاً به‌صرف انحراف اقتصادی یهود به‌صورت کلی (نبای ترشیزی و اسماعیلی‌زاده، ۱۳۹۷؛ آجیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴) یا در بررسی عبرت‌آموزی سیره یهود در حوزه قرآنی (ژین، ۱۳۸۹) و یا کارهای ناقصی خارج از حوزه قرآنی صورت گرفته، به‌صورت ریشه‌ای عوامل انحراف اقتصادی یهود را بررسی نکرده است (حامدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴).

با توجه به کاستی‌های تحقیقات گذشته، این تحقیق در حوزه قرآنی در پاسخ به علل و عوامل انحراف اقتصادی یهود از نگاه قرآن با نگرش نسبتاً جامع انجام شده که تمرکز بر علل و ریشه‌یابی مفاسد اقتصادی یهود براساس نگاه قرآن، این تحقیق را از تحقیقات گذشته متمایز ساخته است.

## ۱. بررسی مفاهیم

### ۱-۱. انحراف

در لغت، از ماده «حرف» به معنای طرف هر چیزی است؛ مانند حرف شمشیر، حرف کشتی و حرف کوه (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۲۰). از ماده «حرف»، «تحریف» به معنای میل به یک طرف ذکر شده است؛ مثل «تحریف کلام‌الله» که به معنای وارونه کردن و تغییر سخن خداست (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۵) و نیز به معنای جانب و

ناحیه است. از این رو «تَحَرَّفَ و انحرَف و اِخْرَوْفَ و الانْحِرَافَ» وقتی گفته می‌شود که انسان از یک شیء یا محدوده‌ای تجاوز و به سمتی دیگر تمایل پیدا کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۴ و ۴۳).  
 معنای اصطلاحی «انحراف» در قرآن به همان معنای لغوی، میل به طرف، جانب و تغییر و تبدیل و تجاوز از اصل معین شده قرآنی و عرف پسندیده به کار رفته است.

## ۲-۱. اقتصاد

«اقتصاد» در لغت، از ماده «قصد» و از باب «افتعال» به معنای استقامت و میانه‌روی در سیر آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۲). این کلمه با مشتقاتش در قرآن به معنای راست، متوسط و معتدل به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۸). در اصل، ماده «قصد» به معنای توجه و اقدام بر عمل است که در مرحله بعد از اراده و نزدیک به عمل قرار می‌گیرد. دیگر معانی (مانند اصلاح، میانه‌روی، استقامت و نظم) از آثار همان معنای اصلی به شمار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۲۷۰).

در اصطلاح قرآنی، «اقتصاد» به دو معنا آمده است:

یک معنای آن بین افراط و تفریط است که در مسائل اقتصادی به معنای «جود» است که بین اسراف و بخل قرار می‌گیرد. میانه‌روی در مطلق امور زندگی، پسندیده است و بدان سفارش شده؛ مانند: «وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» (لقمان: ۱۹).

معنای دیگر آن معنای مردد بین پسندیده و ناپسند است که بین عدل و جور قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۲)؛ مانند «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» (فاطر: ۳۲). اقتصاد قرآنی دارای قلمرو وسیعی است که میانه‌روی در بهره‌برداری از منابع، توزیع، خرج و انفاق را دربر می‌گیرد.

در اصطلاح علم اقتصاد، حداکثر استفاده از منابع کمیاب و محدود برای تأمین نیازها و به عبارت دیگر تخصیص بهینه منابع تولید، توزیع و مصرف است که محورهای اصلی اقتصاد به شمار می‌رود (دادگر، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

## ۳-۱. یهود

«یهود» جمع «هود» در لغت، به معنای توبه کردن و بازگشت به حق، و منتسب به چهارمین فرزند یعقوب پیامبر ﷺ آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۹۴). در اصطلاح، «یهود» به قوم حضرت موسی ﷺ و کسانی که از دین یهود پیروی می‌کنند، گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۶۹).

## ۲. یهودیت در قرآن

یهودیت یکی از ادیان الهی است که در قرآن به‌مثابه پیرو دین خاص با واژه‌های «هُوداً»، «الْيَهُودُ» و «يَهُودِيًّا» - به ترتیب - سه و نه و یک بار، و به‌عنوان قوم، تبار و ذریه با واژه‌های «بَنِي إِسْرَائِيلَ» و «إِسْرَائِيلَ» - به ترتیب - چهار و دو و یک بار ذکر شده است که در جدول (۱) مشاهده می‌گردد:

جدول ۱: رمزگذاری مفهومی

ش	واژه	شماره و تعداد تکرار در آیات	مفهوم
۱	يَهُودِيًّا	۱ بار (آل عمران: ۶۷)	مفرد مذکر «یهود» و مؤنث آن «یهودی» است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۷۲۸۰).
۲	يَهُود	۹ بار (بقره: ۱۱۳ و ۱۲۰؛ آل عمران: ۶۷ مائده: ۱۸ و ۵۱ و ۶۴ و ۸۲ توبه: ۳۰)	جمع «یهودی»، مراد کسانی هستند که در دین یهودیت داخل شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۹۴).
۳	هُوداً	۳ بار (بقره: ۱۱۱ و ۱۳۵ و ۱۴۰)	یاء زاید حذف شده است. به فعلی از افعال یهودیان برمی‌گردد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۶۹).
۹۶۶۳	بنی‌اسرائیل	۴۲ بار (بقره: ۴۰ و ۴۷ و ۸۳ و ۱۲۲ و ۱۱۱ و ۲۴۶؛ آل عمران: ۴۹ و ۹۳؛ مائده: ۱۲ و ۳۲ و ۷۰ و ۷۲ و ۸۷ و ۱۱۰؛ اعراف: ۱۰۵ و ۱۳۴ و ۱۳۷ و ۱۳۸؛ یونس: ۹۰ و ۹۳؛ اسراء: ۲ و ۴ و ۱۰ و ۱۰۴؛ طه: ۴۷ و ۸۰ و ۹۴؛ شعراء: ۱۷ و ۲۲ و ۵۹ و ۱۹۷؛ نمل: ۷۶؛ سجده: ۲۳؛ غافر: ۵۳ و ۵۹؛ دخان: ۳؛ جاثیه: ۱۶؛ احقاف: ۱۰؛ صف: ۲۴).	از «اسر» به معنای تحت نظر، توقیف و تحت تدبیر خداوند، نام یعقوب پیامبر ﷺ در قرآن، به فرزندان یعقوب «بنی‌اسرائیل» گفته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۸۵).

۳. انحراف اقتصادی یهود در قرآن

با عنایت به موضوع تحقیق که عوامل انحراف اقتصادی یهود است، به تعبیر برخی از مفسران، در میان جرایم اخلاقی و اعتقادی یهود، اگر یهود در امور مالی هیچ انحرافی نداشت، فقط همین فروختن قباله‌های مغفرت (در فاصله طبقاتی) بر اثبات جرم آنها کافی بود. به خاطر اهمیت اقتصاد در جوامع بشری، مطابق آمارگیری انجام شده، تمام گناهان و جرایم ریشه در دو امر مهم «فقر مفرط» و «ثروت بی‌حساب» دارد که آیات قرآن مسئله تجاوز یهود به حقوق مردم را برجسته ساخته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۳۱).

این تحقیق کوشیده است ابتدا به انحرافات اقتصادی یهود براساس آیات قرآن اشاره کند، سپس به علل و عوامل آن اشاره نماید. با مراجعه به قرآن کریم نمونه‌های بارزی از انحرافات اقتصادی یهود بیان شده که نه‌تنها در اسلام، بلکه براساس دین یهود نیز ممنوع بوده؛ چنان که در این آیه بدان اشاره شده است: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» (نساء: ۱۶۱)؛ و به خاطر رباخواری، در حالی که از آن نهی شده بودند.

از این توریه معلوم می‌شود که نهی از ربا مخصوص امت اسلام نبوده، در آیین یهود نیز ممنوع بوده است (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۵۰). براساس تعریفی که از «انحراف» صورت گرفت، رباخواری که موجب سود و درآمد بدون فعالیت اقتصادی، فاصله طبقاتی و رشد کاذب اقتصادی می‌گردد، انحراف اقتصادی از موازین دینی و عرف رایج اقتصادی جامعه به شمار می‌آید. بر این اساس، انحرافات اقتصادی یهود در قالب جدول رمزگذاری باز و بسته ارائه می‌گردد و سپس تحلیل می‌گردد.

جدول ۲: رمزگذاری انحراف اقتصادی یهود

ش	واژه	شماره و تعداد تکرار در آیات	مفهوم
۱	تَجُونُ أَمْالٍ	فجر: ۲۰	محبت شدید به مال
۲	حُبّ	آل عمران: ۱۴	محبت طلا، نقره، چهارپایان، زراعت و...
۳	أُحْرَصَ	بقره: ۹۶	حریص ترین مردم
۴	يَكْتَبُونَ	توبه: ۳۴	ثروت‌اندوزی / احتکار / ذخیره طلا و نقره
۵	أَكْلِهِمُ السُّخْتِ	مائده: ۶۳ و ۶۲	معاملات ممنوع: نجس، شراب، قمار، مال دیگران
۶	لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ	نساء: ۱۱۱؛ توبه: ۳۴	خوردن مال دیگران به باطل / بدون رضایت
۷	فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ	اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۴	وفای به کیل
۸	لَا تَبْخَسُوا	اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۴؛ شعراء: ۱۸۳	دوری از ضرر مالی به مردم
۹	إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينًا لَا يُؤَدِّهِ	آل عمران: ۷۵	خیانت در امانت / پس ندادن مال مردم
۱۰	الْمَالِ حُبًّا جَمًّا	فجر: ۲۰	احتکار / جمع کردن مال بدون استفاده
۱۱	يَأْكُلُونَ الرِّبَا	بقره: ۲۷۵	رباخواری
۱۲	أَخْذِهِمُ الرِّبَا	نساء: ۱۶۱	دریافت ربا
۱۳	إِنَّمَا يَبِيعُ مِثْلَ الرِّبَا	بقره: ۲۷۵	توجیه رباخواری
۱۴	يَبْخُلُونَ	نساء: ۳۷؛ حدید: ۲۳	بخل ورزیدن در مصرف اموال
۱۵	وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ	نساء: ۳۷؛ حدید: ۲۳	جلوگیری از انجام کارهای خیر نسبت به دیگران

جدول ۳: رمزگذاری انحراف اقتصادی یهود

ش	مصادیق انحراف اقتصادی
۱	محبت شدید به مال (طلا، نقره، چهارپایان، زراعت و...)
۲	ثروت‌اندوزی / احتکار / ذخیره طلا و نقره
۳	حریص ترین مردم
۴	انجام معاملات ممنوع (نجس، شراب، قمار)
۵	خوردن مال دیگران به باطل / بدون رضایت، خیانت در اموال
۶	رباخواری / توجیه رباخواری
۷	بخل‌ورزی / مانع انجام کارهای خیر

نمودار ۱: انحرافات مالی یهود



### ۳-۱. حرص شدید به مال

از انحرافات بارز اقتصادی یهود علاقه و حرص شدید به مال ذکر شده است. می‌توان گفت: اساس انحراف مالی آنان همین مسئله به شمار می‌رود؛ چنان که قرآن کریم در مقایسه یهود با مشرکان، میزان علاقه‌مندی یهودیان را به بهترین وجه ممکن بیان نموده است: «وَلْتَجِدْنَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» (بقره: ۹۶)؛ آنان را حرص‌ترین مردم - حتی از مشرکان - نسبت به زندگی (ثروت‌اندوزی مادی) خواهی یافت. اینکه حرص‌تر از مجوسی‌های ذکر شده‌اند که صرف نعمت‌های دنیا را باور دارند، از باب مبالغه در شدت حرص و طمع یهودیان است که در عین اعتراف به روز جزاء حرصشان به مال دنیا بیش از مجوسیان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۶).

### ۳-۲. مال‌اندوزی بدون انفاق

انحراف مالی که ریشه در علاقه شدید یهود به مال و زیاده‌خواهی دارد، جمع‌آوری و احتکار اموال است و چنان این خصوصیت در آنان برجسته است که قرآن کریم یهود را با این خصوصیت انحراف مالی معرفی کرده است: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ... وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّبِعُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه: ۳۴)، بسیاری از دانشمندان یهود و ترسایان... آنان که طلا و نقره را می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند.

در این آیه مبالغه بر حرص یهود به جمع‌آوری مال ذکر شده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۴۴۶)؛ کسانی که به هر وسیله و از هر جایی با هدف ذخیره‌سازی، افزایش و جمع‌آوری طلا و نقره از راه مشروع و غیرمشروع دست به این کار می‌زنند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۹۸).

ثروت شاهرگ حیات جامعه بشری و مال تمام افراد جامعه به شمار می‌آید و جمع‌آوری و احتکار و انفاق نکردن آن توسط عده‌ای خاص، انحراف مالی و موجب زیان تمام جوامع بشری می‌گردد. به تعبیر برخی از مفسران، این انباشتن مال روی مال از سوی یهودیان انحراف (اقتصادی) است که قرآن کریم آن را مدنظر قرار داده است (همان، ص ۹۵).

### ۳-۳. حرام‌خواری

افراط در دوستی ثروت و طمع بیش از اندازه یهود موجب به دست آوردن مال از راه‌های نامشروع گردیده بود که قرآن کریم از آن تعبیر به «أَكْلِهِمُ السَّخْتِ» (خوردن مال حرام) نموده (مائده: ۶۲) و مراد از آن هر چیزی از انواع اکل مال به باطل است؛ مانند ربا، رشوه، غش، سرقت، خیانت و غیر این موارد که خوردنش حرام است (همان، ج ۸، ص ۳۴۳). در اینجا به نمونه‌هایی از انحرافات مالی که یهود از راه حرام‌خوری مرتکب آن می‌شده است، اشاره می‌گردد:

«اکل مال به باطل» عنوان عامی است که شامل تمام مال‌های حرام می‌گردد. مفسران مراد از آن را مصداق خاصی در ذیل آیه «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (توبه: ۳۴) و «أَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (نساء: ۱۶۱) دانسته‌اند. مراد از «باطل» هر معامله ناروا و رشوه است (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۶۰). مراد از «خوردن اموال مردم به باطل» خوردن مال دیگران بدون وجه شرعی (مانند اخذ رشوه برای قضاوت به‌ناحق، رواج ربا در میان یهودیان و فروختن اوراق غفران) است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵).

چنان که بیان گردید، در میان یهود معاملات و راه‌های کسب درآمدی وجود داشته که براساس این آیین وجه شرعی نداشتند. بدین‌روی قرآن کریم از این نوع درآمدها به «اکل مال به باطل» تعبیر نموده است.

### ۱-۳-۳. رباخواری

از انحراف‌های برجسته اقتصادی یهودیان، رواج رباخواری است که قرآن کریم به سبب اهمیت آن در فساد اقتصادی، در عین اینکه در ضمن «سُحْتِ» و «اکل مال به باطل» بدان عنایت کرده، به‌صورت مستقل نیز در چند جا بدان تصریح نموده است: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ کسانی که ربا می‌خورند.

بعضی از مفسران در ذیل این آیه شریفه گفته‌اند: اهل فن در علم اقتصادی می‌گویند: بنیان و ریشه رواج ربا به یهود برمی‌گردد و دیگران ربا را از یهود گرفته‌اند. یهود از هر وسیله‌ای درست یا نادرست (تن‌فروشی، فحشا، قتل، نفاق، رباکاری و هر عمل پستی) برای دست یافتن به مال و ثروت استفاده می‌کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۶). قرآن می‌فرماید: «وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ» (نساء: ۱۶۱)؛ به خاطر رباخواری، در حالی که از آن نهی شده بودند. اولین کسانی که سنت حلال شمردن ربا را ترویج کردند، یهودیان بودند. در مقایسه یهود از زمان حضرت عیسی، موسی و محمد ﷺ تا یهودیان امروز، هیچ تفاوتی بین آنها در سیره فساد، زشتی و دشمنی‌شان با بشریت وجود ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۸).

درخصوص ترویج رباخواری به‌مثابه انحراف اقتصادی یهود، قرآن دو نکته اساسی را به‌صورت برجسته ذکر نموده است:

اول اینکه با وجود ممنوعیت حرمت ربا برای یهود (نساء: ۱۶۱) آنان ربا دریافت می‌کردند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۵۳۷). آنان مرتکب انحراف اقتصادی شدند و دیوانه‌وار «يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ» (بقره: ۲۷۵) این عمل ممنوع را رواج دادند.

دوم آنکه نه‌تنها دست به انحراف و حرمت‌شکنی زدند، برای ربا توجیه اقتصادی هم ساختند و گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵). آنان بدون ملاحظه جنبه سلبی و آثار و پیامدهای بدی ربا، به‌صرف مشاهده جنبه سود و فایده ربا، آن را با معامله مقایسه کرده، گفتند: معامله مثل رباست (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۳۷). آنها ربا را با بیع قیاس کرده، می‌گفتند: چطور فروختن کالایی را که ارزش آن یک‌درهم است، می‌توان به دو درهم فروخت؟ بیع هم مثل رباست. پس یک درهم را نیز می‌توان به دو درهم فروخت. شاید هم مرادشان عکس آن باشد؛ زیرا آنان ربا را با بیع مقایسه می‌کردند و مرادشان این بود که اصل رباست و بیع مثل رباست (شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۹).

### ۲-۳-۳. عهدشکنی، خیانت درامانت و فریبکاری

خلف وعده، عهدشکنی و فریب‌کاری از انحرافات مهم اقتصادی یهود است که آنان نسبت به عهدها و پیمان‌ها پایبندی نداشتند. پیمان‌ها دایر مدار منافع اقتصادی‌شان بوده است. هرگاه پیمانی به ضرر منابعشان بوده، عهد خود

را نقض کرده‌اند: «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ» (بقره: ۱۰۰)؛ و آیا چنین نبود که هر بار با خدا پیمانی بستند گروهی از ایشان پیمان شکنی کردند؟ این موضوع شهرت یهود را در پیمان شکنی می‌رساند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۶). «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال: ۵۶)، کسانی که تو از آنان پیمان گرفتی، سپس پیمانی پیمان خویش را می‌شکنند و هیچ پروا نمی‌کنند. مراد از اینکه فرمود: «كُلِّ مَرَّةً»، چند مرتبه‌ای است که رسول خدا ﷺ با ایشان پیمان بست. در هر بار یهودیان عهدشان را می‌شکستند و در عین حال هیچ پروایی از خدا و رسول خدا نمی‌کردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۲).

قرآن کریم خیانت مالی یهود را به مثابه انحراف اقتصادی به صراحت بیان نموده، می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَن اِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ» (آل عمران: ۷۵). مراد این است که چنانچه آنان را حتی بر مال اندکی به اندازه یک دینار امین قرار بدهی، هنگام پس دادن، خیانت نموده، باز نمی‌گرداند.

در این مطلب همه اجماع دارند که مراد از این افراد کفار یهود است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷۸). اجماع بر این است که مراد خیانت یهود است. آنان به دروغ خیانت خود را توجیه دینی می‌کردند (دخیل، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۰).

#### ۳-۴. بخل و تشویق به بخل

اینکه خود یهودی‌ها اهل انفاق نبودند، براساس خلق و خوی حرص و طمع آنان قابل توجیه است. براساس شواهد قرآنی، یهود مانع کار خیر دیگران می‌شدند و این از مصادیق بارز آیه به شمار می‌رود: «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون: ۷)؛ و از نیکوکاری باز می‌دارند. مراد هر کار نیکی است که دارای منفعت باشد (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۰۷). بخل انحراف اقتصاد از مجرای اصلی و خارج کردن اموال از موارد مصرف و در تنگنا قرار دادن جامعه در موقع نیاز است. قرآن کریم بخل را از ویژگی‌های برجسته کفار به شمار آورده، آنان را به بخل توصیف نموده است: «الَّذِينَ يَبْنُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا» (نساء: ۳۷)؛ آنان کسانی‌اند که بخل ورزیده، مردم را نیز به بخل دعوت می‌کنند و آنچه را خداوند از فضل و رحمت خود به آنها داده است، پنهان می‌کنند و برای کفار عذاب خوارکننده‌ای مهیا کرده‌ایم. پایان این آیه نشان می‌دهد که مقصود از این متکبران بخیل که قرآن از آنها سخن به میان آورده، مشرکانی هستند که دارای این حالت بوده‌اند (جعفری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۸).

کسانی از کفار بودند که از سر کبر و غرور بخل می‌ورزیدند و انصار را نیز از انفاق به رسول خدا ﷺ و اصحاب آن حضرت بازمی‌داشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۴).

با توجه به اینکه در ابتدای هجرت پیامبر اکرم ﷺ کفار مدینه و اطراف آن غالباً یهودیان بودند، از این رو مصداق بارز کفار بخیل در آیه شریفه همان‌ها هستند. مراد از «الَّذِينَ يَبْنُونَ» سران و بزرگان یهود و مراد از «وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ» نیز رؤسای یهود (مانند کعب بن اشرف و غیر او) است که از ترس پیشرفت اسلام و محو شدن تورات، پیروان یهود را به تمرد از دستور پیامبر فرامی‌خواندند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۷۲).



در همین رابطه از ابن عباس روایت شده، *اسامه بن حبیب و بحرین عمرو و رفاعه بن زید* از یهودیان بودند. آنان از در نصیحت به انصار می‌گفتند: چون معلوم نیست کار پیامبر ﷺ با یارانش به کجا می‌رسد، مال خود را به او و یاران مهاجرش ندهید که به‌زودی فقیر و محتاج می‌شوید. بدین مناسبت این آیه نازل گردید (امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۷۰). بعضی از مفسران انحراف اقتصادی، به‌ویژه بخل را مرضی آنان شمرده‌اند که یا از شهرت‌طلبی و برتری‌خواهی و یا از ترس آنان از فقر ناشی می‌شود. از این‌رو خود را به فقر می‌زدند (فقر فکری) که دردش شدیدتر از فقر اقتصادی است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸۱).

#### ۴. عوامل انحراف اقتصادی یهود

بی‌شک انحراف اقتصادی یهود به عوامل آشکار و نهانی برمی‌گردد که براساس دیدگاه قرآن کریم می‌توان سه عامل را به‌صورت کلی به‌عنوان عوامل اساسی انحراف یهود بیان کرد که عبارتند: از عوامل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری. در اینجا این عوامل توصیف و تحلیل گردیده است:

جدول ۴: رمزگذاری عوامل انحراف اقتصادی

عوامل انحراف اقتصادی یهود			واژگان
عادت‌های رفتاری	اخلاقی	اعتقادی	یهود و بنی اسرائیل
ظلم	حرص و طمع	شرک	
بخل	لجبازی	کفر	
برتری‌طلبی	ریاکاری	شرک افغالی	
انحصارگرایی	عهدشکنی	اعتقاد به فقر خداوند	
دشمنی	سخریه	جاودانگی	
تکبر	اختلاف‌افکنی	مادی‌گرایی	
دروغ‌گویی	تحریف		
آلودگی به گناه	ترس از فقر		
مال‌دوستی	حسادت		

براساس رمزهای برگرفته‌شده از قرآن کریم، سه عامل در انحراف اقتصادی یهود نقش داشته است. از این میان، مهم‌ترین نقش را عامل رفتاری داشته است. شرک و اعتقادات باطلی همانند باور به تثلیث، فقر و ناتوانی خداوند، جاودانگی یهود و مادگرایی موجب انحرافات اخلاقی (مانند کبر، غرور، ریاکاری، عهدشکنی، تحریف و ترس از فقر) در یهود گردید. در نتیجه رفتار اقتصادی آنها را تحت تأثیر قرار داده، موجب مال‌دوستی ظلم، بخل، انحصارطلبی، دشمنی، حرص و طمع، دروغ‌گویی، گناه مالی و عادت‌های انحراف اقتصادی در یهود گردیده است.

#### ۴-۱. علل اعتقادی

اعتقادات باطل بر تمام ساحت‌های زندگی یهود، به‌ویژه در جنبه اقتصادی آنها تأثیر منفی گذارده است. بر همین اساس ایمان راستین به خداوند، رسولان و معاد نداشته‌اند. شریک قرار دادن خدا و اعتقادات مادی‌گرایانه، فقیر

دانستن خداوند و جاودانگی در این عالم حکایت از بی‌اعتقادی آنان دارد. براساس گزارش‌های قرآن کریم، آنان به‌جای تکیه کردن به خداوند و وعده‌های رسولانش، به مال و مکتب متکی بوده‌اند.

#### ۱-۱-۴. اعتقاد مادی‌گرایانه

یهود راه معرفت را منحصر در شناخت از مجاری حس مادی می‌دانستند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۲). بدین‌روی از حضرت موسی علیه السلام خواستند خدا را به ایشان نشان دهد: «وَ اذ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللّٰهَ جَهْرَةً» (بقره: ۱۲۰)؛ گفتند: ما تا خدا را آشکارا نبینیم به تو ایمان نمی‌آوریم. آنان به چیزی جز پیروی دیگران از راه باطلی که خودشان در آن بودند، راضی نمی‌شدند.

تجربه مادی و گرایش به بت‌پرستی اندیشه‌ها و افکار این قوم را فاسد کرد، به گونه‌ای که وقتی حضرت موسی علیه السلام مدت کوتاهی (۴۰ روز) از آنها دور شد، گوساله‌پرست شدند و تندیس گوساله‌ای را که نعره گاو از خود خارج می‌کرد (طه: ۸۸) و محسوس و قابل تجربه بود، بر خدای حضرت موسی علیه السلام مقدم داشتند و در جواب اعتراض حضرت موسی علیه السلام گفتند: «مَا خَلَقْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا اُورَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْنَاهَا فَكَذَلِكَ اَلْقَى السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۷)؛ ما به میل و اختیار خود با تو خلف وعده نکردیم، لیکن اسباب تجمل و زینت بسیاری (از فرعونیان) را بر دوش ما نهادند و ما آنها را در آتش افکندیم و سامری این‌گونه (فتنه‌انگیز بر ما) القا کرد.

درخواست بت‌پرستی آنان سابقه داشت؛ چنان‌که قبلاً نیز وقتی قومی را دیدند که بت می‌پرستند، از حضرت موسی علیه السلام خدایی مانند خدای آنان را درخواست کردند (اعراف: ۱۳۸). این حکایت از آن دارد که بنی‌اسرائیل در برابر خدایان محسوس و قابل تجربه عنان اختیار از دست می‌دادند.

بر مبنای حس‌گرایی در تصمیم‌گیری‌ها، آنان تحت تأثیر تجملات و زرق و برق‌های ظاهری قرار می‌گرفتند و مهم‌ترین امتیاز آدمی را که اختیار و انتخاب است، تحت تأثیر شرایط محیطی از دست می‌دادند و با تعقل، تفکر و اختیار هیچ‌وقت راه درست در پیش نمی‌گرفتند و با تحریک احساسات مادی خود، دست از تمام تعهدات و منفعت‌های بلند مدت خویش برمی‌داشتند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۱۴۶). علاقه به مال‌اندوزی ناشی از طبیعت مادی‌گرایانه آنان بوده و بر مبنای اعتقاد به اموری مادی قابل حس، همواره نقد را بر نسیه مقدم می‌کرده‌اند.

#### ۲-۱-۴. فقدان ایمان

هرچند یهود خود را پیرو یکی از ادیان الهی می‌دانسته‌اند، ولی به آموزه‌های راستین یهود باور نداشته و بدان پایبند نبوده‌اند. از این‌رو قرآن می‌فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ» (بقره: ۸). این آیه درباره منافقانی مانند *عبدالله بن ابی، جدین قیس و معتب بن قشیر* و یارانشان نازل شد که بیشترشان از یهود بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۲).

یهودیان اگر به آموزه‌های تورات باور داشتند باید اسلام را می‌پذیرفتند: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶). در بی‌ایمانی آنان همین بس که قرآن می‌فرماید: «كَلَّمَا جَاءَهُمْ سَوَّلُ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذِبًا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مائده: ۷۰)؛ هرگاه پیامبری چیزی می‌گفت که با خواهش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشند. یهود شرایع الهی را موجب مشقت و مخالف هواهای نفسانی خود می‌دیدند. از این رو آن را تکذیب می‌کردند (ابن‌عجیبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۳).

۳-۴. شرک

یهود با آنکه در ظاهر به خدای یگانه ایمان آورده بودند، اما باز هم هیچ‌وقت دست از اعتقاد به حس‌گرایی برنداشتند و حس‌گرایی خود را به شکل شرک و اعتقاد به فرزند داشتن خداوند دنبال می‌کردند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ... ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ...» (مائده: ۳۰)؛ و یهود گفتند: عُزَيْر پسر خداست... این سخنی است که تنها بر زبان می‌رانند و با گفتار و کیش کافران مشرک پیشین نزدیکی و مشابهت دارند. به تصریح آیه شریفه، یهودیت انعکاس کفار مشرک وثنی است که ملانکه و اجنه را دختران خداوند می‌دانستند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۹).

گزارش دیگری از شرک اعتقادی یهود در قرآن منعکس شده که براساس آن فساد و انحراف اقتصادی یهود بیشتر قابل بررسی و تبیین است. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ...» (مائده: ۱۸)؛ یهود و نصارا گفتند: ما پسران خدا و دوستان اویم. با انتساب نسبی به خدای متعال، دیگر فساد یهود صرفاً مشکل انحراف در عقیده نبوده، بلکه مشکل اساسی آنها فساد و انحراف در حیات است. با انتساب فرزندی و دوستی به خدای متعال، یا اساساً عذاب را از خودشان نفی می‌کردند یا می‌گفتند: از باب اینکه پدری فرزندش یا دوستی دوستش را برای ادب کردن مدت کمی مجازات می‌کند، ما هم مدتی کوتاهی از باب تأدیب در عذاب باقی می‌مانیم (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۰۳).

تعظیم بعضی از پیامبران (از جمله حضرت عیسی علیه السلام) عامل تمام انحرافات بیشتر اهل کتاب به شمار می‌رود (همان، ج ۲، ص ۹۴۶). متغیر اصلی در انحراف اقتصادی، اعتقاد به حس و امور ملموس و قابل دیدن به شمار می‌رود. ضعف ایمان و شرک آنان وابسته به این متغیر اساسی است. تمام ارزش، قدرت، شوکت و سعادت یهود صرفاً در گرو کثرت دارایی‌های مادی آنها بوده است. از این رو برای افزایش ثروت، به هیچ اصل دینی یا عرفی پایبند نبودند و آنچه را موجب ضرر مادی آنان می‌گردید، انکار می‌کردند و دست به ربا، رشوه، فروش بهشت و حيله‌های متعدد برای ثروت‌اندوزی می‌زدند.

بسیاری از انحرافات اقتصادی (مانند تغییر احکام الهی، پیمان‌شکنی، دروغ‌گویی، فریبکاری، ریاکاری و مانند آن) به انحرافات اعتقادی یهود برمی‌گردد. به تعبیر قرآن، دینشان آنان را مغرور کرده بود: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَ غَرَّهُمْ فِی دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (آل‌عمران: ۲۴)؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ

الکتاب...» (مائده: ۲۳)؛ آیا به کسانی که بهره‌ای از کتاب داده شده، نمی‌نگری؟ آنها معرفت کامل نداشتند، تنها بهره‌ای از معرفت داشتند، احتمال دارد که همان مقدار را هم (گذشتگان آنها) برای منفعت‌طلبی و سیطره بر مردم از دین یاد گرفته بوده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۸۹).

بر این اساس می‌توان اعتقادات باطل یهود را زمینه انحراف اقتصادی دانست؛ زیرا براساس روحیه بت‌پرستی و حس‌گرایی، معرفت و شناخت را صرفاً در امور محسوس و ملموس تجربه می‌کردند و تمام ارزش و اعتبار را به حواس ظاهری خود می‌دادند و تا چیزی را نمی‌دیدند، نمی‌پذیرفتند. پس از ایمان به خداوند، ایمانشان را براساس همان شناخت مادی و تجربی بازسازی می‌کردند و در جهت اصالت حواس ظاهر و خواست‌های مادی خود به کار می‌گرفتند. از این رهگذر، با انتساب به خداوند، از دین «استفاده ابزاری» می‌کرده‌اند و همواره از خدا و شریعت برای تحمیق و چپاول سایر ملت‌ها استفاده نموده‌اند؛ مانند ساخت خدایان طلائی و استفاده از شگردهای گوناگون (همچون فروش برات استغفار، جلب طلا و نقره در کنیسه‌ها و معابدشان) که قرآن کریم توجیه دینی حرام‌خواری و دروغ‌گویی یهود را به صراحت بیان نموده، می‌فرماید: «وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُ بِدینَارٍ لَیُؤَدَّهُ إِلَیْکَ... قَالُوا لَیْسَ عَلَیْنَا فِی الْأُمِّیْنِ سَبِیْلٌ» (آل عمران: ۷۵)؛ عده‌ای از آنها یک دینار امانت را بر نمی‌گردانند... می‌گویند: ما در برابر غیریهود مسئول نیستیم. مفسران گفته‌اند: معنای این سخن آن است که غیراسرائیلی بر اسرائیلی راهی ندارد. این سخن را هم به دین منتسب می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۱۱).

#### ۲-۴. علل اخلاقی

عامل اخلاقی در قالب‌های گوناگون (همچون حرص، طمع، حسادت، پیمان‌شکنی، ریاکاری و غیر آن) به ملکه اخلاقی برای یهود تبدیل شده و در انحراف اخلاقی آنان نقش بسزایی داشته است.

#### ۱-۲-۴. هواهای نفسانی

خواهش‌های نفسانی و به تعبیر قرآن، تبعیت از هوای نفس در انحراف اقتصادی یهود نقش برجسته‌ای دارد. طمع، کبر و غرور، خودخواهی، تحریف، مال‌دوستی و مال‌اندوزی ریشه در هواهای نفسانی یهود دارد. به گزارش قرآن کریم، یهود چنان تابع خواسته‌های نفسانی‌شان بوده‌اند که هرچه را در مقابل منافع مادی، شهرت‌طلبی و زراندوزی‌شان قرار می‌گرفته، با دروغ و حتی کشتار از سر راهشان برداشته‌اند: «فَکَلَّمَا جَاءَکُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُکُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِیقًا کَذَّبْتُمْ وَ فَرِیقًا تَقْتُلُونَ» (بقره: ۸۷)؛ آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری برخلاف هوای نفس شما آورد، گردن فرازی و سرپیچی کردید و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کردید و جمعی را به قتل می‌رسانید؟

تلاش بنی‌اسرائیل برای انقیاد شرایع و به انحراف کشیدن مسیر هدایت به سمت هواهای نفسانی امری عارضی در مقابل اصل ثابت فطری بوده است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۹). خطر هواهای نفسانی یهود در بیش از ۱۲ آیه ذکر شده که در سه جای قرآن (بقره: ۱۲۰ و ۱۴۵؛ رعد: ۳۷) خداوند به پیامبرش به‌عنوان تهدید

و هشدار، گوشزد نموده است: «و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یآوری نخواهی داشت» (بقره: ۱۲۰).

براساس گرایش مادی یهود - که در عامل اعتقادی بیانش گذشت - تبعیت از هواهای نفسانی آنان بیشتر در منافع مادی تبلور یافته است؛ چنان که بعضی از مفسران نیز بدان اشاره کرده‌اند: غرق شدن در هواهای نفسانی و شهوت‌پرستی، سبب گمراهی بنی‌اسرائیل از مسیر هدایت گردید (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۷۶).

#### ۲-۴. طمع مال‌اندوزی

صفت ناپسند اخلاقی که از هواهای نفسانی نشئت می‌گیرد، «حرص» است که حب نفس و به‌تبع آن، حب مال را نیز به دنبال دارد. از نظر قرآن کریم یهود در این صفت ناپسند گوی سبقت را از تمام اقوام ربوده‌اند: «وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ» (بقره: ۹۶)؛ در حرص و طمع یهود همین بس که حریص‌ترین مردم برای حیات و باقی ماندن در دنیا یهود است؛ آنچنان که هرکدامشان دوست دارد هزار سال عمر کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۳) و مال‌اندوزی نماید.

این خصوصیت اخلاقی مخصوص یهود عصر حضرت موسی علیه السلام نیست. یهود به خاطر این خصیصه که دنیا را آخرین مرحله آرزوها و عیش و نوش خود می‌پندارند، همواره گلوگاه‌های اقتصادی دنیا را دست گرفته، برای بردگی و تبعیت ملت‌ها از هواهای نفسانی خودشان، گلوی اقتصادی آنان را زیر پا می‌فشردند. این واقعیتی است که قرآن به خوبی آن را حکایت کرده است: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثَا الْكِتَابِ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى» (اعراف: ۱۶۹)؛ بعد از اینان گروهی به جایشان نشستند و وارث آن کتاب شدند که به متاع دنیوی دل بستند.

یهودیان مال، مقام و اقسام ابزار شهوت و غیر این امور از متاع دنیا را جمع و در جهت تسخیر انسان‌ها برای معصیت خداوند از آنها استفاده می‌کنند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۷۹). آنان به شاخصه زراندوزی معرفی شده‌اند، طوری که دیگران و حتی مسلمانان نیز تحت تأثیر اخلاق اقتصادی ایشان قرار گرفته‌اند؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه: ۳۴)؛ کسانی که طلا و نقره را روی هم جمع می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند. احتمال دارد این از جهت مبالغه در حرص و طمع اجبار و رهبان یهود باشد (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۷۷). معلوم می‌شود انحراف اخلاقی حرص و طمع به‌عنوان میراث یهود، از بن‌نهاد یهودیت نشئت گرفته و موجب انحراف اقتصادی آنها گردیده باشد.

#### ۳-۲-۴. عهدشکنی

پیمان‌شکنی به‌مثابه یک خصوصیت اخلاقی، بیشترین تأثیر را در انحراف اقتصادی دارد و در آیات متعدد قرآن از پیمان با بنی‌اسرائیل سخن به میان آمده است (بقره: ۸۳؛ مائده: ۱۲ و ۷۰). این پیمان‌ها شامل عبادت خداوند، اطاعت از انبیاء، انجام کارهای نیک و پیمان‌های مالی می‌گردد؛ ولی بنی‌اسرائیل تمام پیمان‌ها را نقض کردند و به نافرمانی در برابر فرمان خداوند و تکذیب و قتل انبیای الهی برخاستند: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ... ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ

بَعْدَ ذَلِكَ...» (بقره: ۶۳ و ۶۴)؛ به یاد آرید آن زمان را که با شما پیمان بستیم... ولی از آن پس، از فرمان سرباز زدید (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۶).

از مظاهر سستی، پیمان شکنی، عجز و ضعف در برابر هواهای نفسانی بنی اسرائیل، پایبند نبودن آنان به تکالیفی است که بر دوشان گذاشته شده بود (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۶). مراد از «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ»، اعراض بنی اسرائیل از وفای به عهد است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۷)؛ چنان که این آیه به وضوح بیان می کند که عهدشکنی برای یهود به عادت و به مثابه صفت ناپسند اخلاقی، جزو خوی آنها شده بود: «وَأَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ» (بقره: ۱۰۰) هر بار که با خدا پیمانی بستند گروهی از ایشان پیمان شکنی کردند. این موضوع شهرت یهود را در پیمان شکنی می رساند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۶).

خسیصه پیمان شکنی یهود به عنوان نشان برجسته این قوم در قرآن ذکر شده است: «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مِرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال: ۵۶)؛ کسانی که تو از آنان پیمان گرفتی، سپس پیمانی پیمان خویش را می شکنند و هیچ پروا نمی کنند.

مراد از اینکه فرمود: «كُلُّ مِرَّةٍ»، چند مرتبه ای است که رسول خدا ﷺ با ایشان پیمان بست و هر بار یهودیان عهدشان را می شکستند و هیچ پروایی از خدا و رسول او نمی کردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۲).

خلق و خوی عهدشکنی در یهود از نظر اجماعی بیشترین ظهور و بروز در انحراف اقتصادی بوده است؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ إِن تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ» (آل عمران: ۷۵). امانت مالی - هرچند اندک - از سوی یهود مورد خیانت قرار می گیرد. در معاهدات کلان مالی، به میزان ارزش اقتصادی که دارد، حرص و طمع یهود در پیمان شکنی بیشتر می شود.

۳-۲-۴. حسادت

از دیگر جلوه های پیروی از هواهای نفسانی دخیل در انحراف اقتصادی یهود، حسادت، کینه توزی و دشمنی است که از تفوق طلبی، بلندپروازی و زیاده خواهی یهود ناشی گردیده است. یهود رشد مادی و معنوی دیگران را مانع قدرت اقتصادی و منافع مادی خود می دانسته اند. از این رو حسادتشان برانگیخته شده، دست به کینه توزی می زنند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره: ۱۰۹)؛ بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده، از روی حسد، دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازگردانند. «وَلَيَبْزِيَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا...» (مائده: ۶۴)؛ و آنچه را بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است، بر طغیان و کفر بیشترشان خواهد افزود.

از ظاهر آیه که یهود را مخاطب قرار داده، هویداست که این صفات برای یک فرد یا افراد خاص نبوده، بلکه حکایت از راه و روش یهود دارد که امری رایج و متداول در بین آنها بوده است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۴۹).

این آیه تعصب و عقده درونی یهود را مجسم می‌کند که با اعطای نعمت و احسان به دیگران، دست به حسادت و کینه‌توزی می‌زند (همان، ص ۲۵۱). یهودیان از گذشته‌های دور در کفر و دشمنی با ادیان دیگر، سرآمد مردمان حسود و ستم‌پیشه بوده‌اند. واضح است که وقتی متوجه می‌شدند خداوند مردمی را بر آنان فضیلت داده و از میان آنان پیامبری مبعوث کرده، حسادتشان تحریک می‌گردیده است. بر این اساس از یهود توقعی جز کفر و طغیان نمی‌رود و نباید هیچ وقت از شرشان در امان بود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶ ص ۳۲).

خداوند در جایی دیگر به این صفت رذیله یهود تصریح نموده، می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نساء: ۵۴)؛ آیا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است، حسد می‌برند؟

به علت اینکه پیامبر اکرم ﷺ از بنی اسرائیل نبوده و از قوم عرب بوده، خداوند نعمت عظمای نبوت را به ایشان عطا کرده است. یهودیان دست به حسادت زده، دیگران را از تصدیق آن حضرت باز می‌داشتند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۶). حسادت یهود به خاطر از بین رفتن طمع ریاست مالی و منافع اقتصادی‌شان در بین اعراب جاهلی بوده است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۸۳).

#### ۴-۲-۴. تحریف

یکی از خصوصیات رایج در میان یهود، تحریف است که آن نیز از پیروی هواهای نفسانی آنها ریشه می‌گیرد که شامل صفات دیگری (همچون دروغ‌گویی و بهانه‌جویی) نیز می‌شود و یکی از عوامل انحراف اقتصادی یهود به شمار می‌آید. چنان‌که در معنای «تحریف» گذشت که به معنای میل، طرف‌شیء، تبدیل و تغییر آمده (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۶)، در قرآن «تحریف»، شش بار با دو واژه «یحرفون» و «یحرفونه» در توصیف یهود ذکر شده است؛ از جمله این آیه: «فِيمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (مائده: ۱۳)؛ و اهل کتاب - جز اندکی از آنها - چون پیمان خود را شکستند، لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم.

آنان کلمات را از معنای خود منحرف می‌سازند. این بیان‌کننده قساوت قلب آنان است؛ زیرا تغییر دادن سخن خداوند و دروغ بستن به او ناشی از سنگدلی آنان است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۹). کلام را به گونه‌ای تفسیر می‌کردند که صاحبش آن معنا را قصد نکرده بود و تفسیری از کلام خدا ارائه می‌دادند که خداوند بدان راضی نبود (احتمال اول) و یا اینکه آنچه را از کلام خدا باب میلشان بود به آن اضافه می‌کردند (احتمال دوم) و یا اینکه کلام خدا را جابه‌جا می‌ساختند (احتمال سوم). به تمام اینها «تحریف» گفته می‌شود که خود قرآن نیز به برخی از این معانی اشاره دارد: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» (بقره: ۵۹)؛ اما ستمکاران آن سخن را دیگرگونه کردند. کسانی که ظلم و گناه کردند، فرمان خدا را تغییر دادند و غیر آن سخنی را که باید بگویند، گفتند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۱).

یهود با تحریف کلام خدای متعال، هم دچار دروغ‌گویی می‌شدند؛ چون چیزی را به دروغ به خداوند نسبت می‌دادند و هم دچار انحراف مالی و اقتصادی می‌گردیدند؛ زیرا آنان انسان‌هایی فاسق و منافق بودند (مائده: ۵۹) که همیشه چهره نیرنگ خود را با چهره خیرخواهی و همرنگی ظاهری با جامعه پوشانیده‌اند و قرآن کریم این چهره را به خوبی به تصویر کشیده است: آنان به دروغ اظهار ایمان می‌کردند و در جهت منافع اقتصادی خود دست به تحریف دینی می‌زدند که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌گردد:

#### ۱-۲-۴. خیانت در امانت

براساس تحریف باورهای دینی، این مطلب را قرآن کریم به‌وضوح بیان کرده، می‌فرماید: «کسی نیز هست که اگر دیناری به او بسپاری به تو باز نمی‌گرداند، می‌گویند: ما در برابر امی‌ها مسئول نیستیم» (آل عمران: ۷۵). با تحریف آموزه‌های دینی که می‌گفتند: ما در برابر غیریهود مسئول نیستیم، دست به خیانت مالی می‌زدند. به تعبیر مفسران، این تحریف آشکار را به‌عنوان دستور دینی و فرمان خداوند القا می‌کردند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۷).

#### ۲-۲-۴. رباخواری

یکی از تحریف‌های اقتصادی یهود توجیه رباخواری است؛ چنان‌که بیان گردید، آنها می‌گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» و بیع و حلال را از جهت سوددهی با حرام قیاس می‌کردند تا از این طریق حرام‌خواری خود را توجیه کنند.

#### ۵-۲-۴. تکبر

براساس آیات قرآن کریم، خصوصیت تکبر و پندار خودبرتربینی که از هواهای نفسانی یهود نشئت می‌گیرد، از عوامل انحراف اقتصادی آنها به شمار می‌رود: «وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنٍ وَ تَلْعَنُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا» (اسراء: ۴)؛ و در کتاب (تورات یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی) خبر دادیم و چنین مقدر کردیم که شما بنی‌اسرائیل حتماً دوبار در زمین فساد و خونریزی می‌کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای می‌یابید. استکبار از اطاعت خداوند و ظلم بر مردم از ویژگی‌های این قوم شمرده شده است (شبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۹).

یهود همیشه از مال و ثروت به‌عنوان ابزار برتری و سلطه بر دیگران استفاده می‌کرده‌اند و خود را «ملت برگزیده» و «فرزندان خدا» می‌دانسته‌اند (مائده: ۱۸ و ۳۰). این از کبر و غرور آنان ناشی می‌گردد. همین امر آنان را دچار انحرافات مالی کرده است. به خاطر همین روحیه، آنان تن به انفاق نمی‌دادند و اساساً به دنبال جلب رحمت خداوند نبودند و از ابزار مالی برای برتری خود استفاده می‌کردند: «هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا» (منافقون: ۷)؛ آنان کسانی هستند که می‌گویند: به آنان که نزد رسول خداوند چیزی ندهید تا پراکنده شوند. آنان می‌خواستند از طریق فشار اقتصادی و گرسنگی دادن، اطرافیان پیامبر خدا ﷺ را متفرق کرده، دست ارادتمندان آن حضرت را در شهرهای دیگر از رسیدن به آن حضرت کوتاه کنند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۵۷۹) تا برتری آنان به خطر نیفتد.



فخرفروشی یهود در انحراف اقتصادی، کار آنان را به جایی رسانده بود که می‌گفتند: «إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ» (آل عمران: ۱۸۱). مفسران گفته‌اند: وقتی یهود سخن خداوند را شنیدند که می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (بقره: ۲۴۵)، از روی استهزا گفتند: ما اغنیا و خداوند فقیر است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴۶). روحیه تکبر و تفوق طلبی موجب انحراف مالی یهود گردیده بود. برای حفظ چنین روحیه‌ای دست از کارهای خیر، انفاق و دستگیری از افراد نیازمند می‌کشیدند.

### ۳-۴. عادت‌های رفتاری

هرچند انحرافات اقتصادی یهود در آغاز ریشه اعتقادی و اخلاقی داشت، ولی به تدریج برای یهود به عادت رفتاری تبدیل شده بود که برگشت و یا تغییر آن کار دشواری بود. تفاوت عادت‌های رفتاری با دو عامل گذشته در این است که در پشت دو عامل «اعتقادی» و «اخلاقی» نگرش و ارزش مطلوب وجود داشته، ولی عامل سوم «عادت رفتاری» لزوماً همراه با نگرش مطلوب و بار ارزشی نیست. با وجود مخالفت نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادت‌های رفتاری موجب انحراف اقتصادی می‌گردد. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد:

#### ۱-۳-۴. عهدشکنی

پیش از این یکی از انحرافات اقتصادی یهود عهدشکنی دانسته شد. در اینجا صرفاً به عنوان عامل عادت رفتاری در به آن اشاره شده است. این موضوع در عین آنکه در ابتدا ریشه اعتقادی و اخلاقی داشت، ولی بعدها به مثابه عادت‌های رفتاری درآمد: «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ» (بقره: ۱۰۰)؛ و آیا هرگاه گروهی از آنان پیمان می‌بستند گروهی دیگر نقض می‌کردند؟ برخی از مفسران گفته‌اند: نقض عهد همراه با یهود و چسبیده به آنان بوده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۱). عهدشکنی چنان شده بود که جزو عادت‌های رفتاری انفکاک‌ناپذیر آنان درآمد بود.

#### ۲-۳-۴. دروغ‌گویی

از عادت‌هایی که در انحراف اقتصادی یهود نقش اساسی داشته، دروغ‌گویی است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تَأْمَنُ بِدِينَارٍ لِأَيُّدِهِ إِلَيْكَ... قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ» (آل عمران: ۷۵). با دروغ‌گویی و انتساب به خدا، خوردن مال مردم را توجیه دینی می‌کردند و به صورت آشکارا به خداوند دروغ می‌بستند: «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» (مائده: ۴۱). یهود پیروان دروغ و افترا هستند که به خدا نسبت دروغ داده، کلام حق را تحریف می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۲۳).

مفسران در ذیل آیه «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِمَسْحَتِ» (مائده: ۴۲)؛ آنان گوش‌سپردگان به دروغ و خوردگان حرامند، گفته‌اند: تکرار «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» در دو آیه پی‌هم، به معنای آن است که دروغ خصلت یهود شده بود، به گونه‌ای که برای دروغ و حرف‌های باطل آنان ذوق می‌کردند و به وجد می‌آمدند (سید قطب،

۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۸۳). حاصل معنای آیه این است که علما با رشوه، حکم به دروغ می‌دادند و مردم دروغ آنان را گوش می‌کردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۴۱).

### ۳-۴. ظلم

از عادت‌های یهود آلودگی به ظلم و گناهان بوده که یکی دیگر از علل انحراف مالی آنان شمرده شده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده: ۶۲)؛ بسیاری از آنها را می‌بینی که در گناه و ستم و حرام‌خواری شتاب دارند و چه فعل ناپسندی را مرتکب شده‌اند.

نکاتی در این آیه شریفه بیان شده که حائز اهمیت است:

۱. انجام گناه، ظلم و حرام‌خوری؛

۲. انجام دسته‌جمعی این اعمال؛

۳. سه عمل ذکر شده برای آنان به‌صورت عادت رفتاری درآمده است: «لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ یعنی کارشان

(شیوه زندگی‌شان) این بوده است (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۴).

به معنای واقعی کلمه، ظلم و تجاوز به مال و حقوق مادی دیگران به‌عنوان عادت رفتاری از نسلی به نسل دیگر به آیندگان یهود به ارث رسیده است؛ چنان‌که درباره عمومیت «أَكْلِهِمُ السُّخْتِ» قبلاً بیان شد که شامل انواع حرام‌خواری (مانند رشوه و ربا و دیگر نمونه‌های انحراف اقتصادی) می‌گردد. ذکر آن در کنار ستمگری به‌مثابه عادت رفتاری در بخش پایانی دو آیه ۶۳ و ۶۲ سوره «مائده» «ما كَانُوا يَفْعَلُونَ» و «ما كَانُوا يَصْنَعُونَ» بیان شده است. وقتی عمل رفتاری با قصد انجام گیرد به آن «عمل» گفته می‌شود و هرگاه در اثر ممارست و تکرار به‌صورت ملکه بدون قصد نیت انجام گیرد به آن «صنع» گفته می‌شود. (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۴۵). ذکر «ظلم» در کنار انحراف اقتصادی و تبدیل شدن به عادت رفتاری نشان‌دهنده تأثیرپذیری انحراف اقتصادی از ستمگری و برعکس بوده است.

### ۴-۳-۴. دشمنی

دشمنی همواره عادت دیرینه یهود بوده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَأْتِيَنَّكُمْ خَبَالًا مَدُونًا مَا عِنتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران: ۱۱۸)؛ آنها از هیچ شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند. این دشمنی از گفتارشان پیداست و آنچه در دل پنهان می‌دارند از آن بیشتر است.

به تعبیر قرآن «عَصُوا عَلَيْكُمْ الْأَنْمِلَ مِنَ الْغَيْظِ» (آل عمران: ۱۱۹)؛ از شدت خشم نسبت به شما، سرانگشت به دندان می‌گزیند. عادت به کینه‌توزی و دشمنی یکی از عوامل حرام‌خواری و انحراف اقتصادی یهود براساس این آیه شریفه شمرده شده است: «يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ» (آل عمران: ۷۵) که در گناه، دشمنی و خوردن مال حرام شتاب می‌گرفتند و به خاطر دشمنی با مسلمانان، خیانت در امانت مالی کرده، امانت مسلمانان را از سر دشمنی با این پنهان می‌خوردند که ما در برابر غیریهود مسئولیت نداریم.

یکی از انحراف‌های مالی آنان بخل ورزیدن و دعوت به بخل بود: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ» (نساء: ۳۷). به خاطر دشمنی که با پیامبر ﷺ و یاران آن حضرت داشتند، نزد بعضی از انصار می‌آمدند و از سر رفاقت و نصیحت به آنان می‌گفتند: اموالتان را انفاق نکنید تا مبدا فقیر شوید (زکواتی قراگزلو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۲).  
براساس آیات ذکرشده، دشمنی عامل دیگری در انحراف اقتصاد یهود شمرده شده است: یا اموال دیگران را از سر دشمنی حلال شمرده، می‌خوردند، یا از سر دشمنی انفاق نمی‌کردند و از دستگیری دیگران منع می‌کردند؛ چنان‌که امروزه نیز یهود براساس عادت دیرینه دشمنی‌شان، انواع تحریم‌ها و انحرافات مالی را علیه ملت‌های دیگر به کار می‌گیرند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه در قرآن کریم یهود به‌عنوان پیرو دین خاص و تبار قومی به کار رفته، این نوشتار پس از تبیین معنای «انحرافات اقتصادی»، ابتدا مهم‌ترین انحرافات اقتصادی یهود را ذکر کرد که عبارتند از: ۱. حرص و طمع شدید؛ ۲. احتکار؛ ۳. خیانت؛ ۴. معاملات ممنوع؛ ۵. بخل؛ ۶. تشویق به بخل؛ ۷. خوردن مال حرام؛ ۸. رباخواری؛ ۹. حب مال و مال‌اندوزی؛ ۱۰. پیمان‌شکنی مالی.

پس از تعیین انحراف اقتصادی یهود، سه عامل اساسی به‌عنوان عوامل اصلی انحرافات اقتصادی یهود بیان شد: ۱. عوامل اعتقادی: اعتقادات و باورهای باطل (مانند مادی‌گرایی و حس‌گرایی، فقدان ایمان، و شرک) که مهم‌ترین عامل انحراف اقتصادی یهود شمرده شده است. در این میان، حس‌گرایی و مادی‌گرایی اساسی‌ترین عامل به شمار آمده است.

۲. عوامل اخلاقی: براساس آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های تفسیری معتبر، عواملی همچون طمع، کبر، غرور، خودخواهی، مال‌دوستی و مال‌اندوزی، و پیمان‌شکنی که از هواهای نفسانی نشئت می‌گیرد، مهم‌ترین عوامل اخلاقی انحراف اقتصادی یهود ذکر شده است.

۳. عادت‌های رفتاری: فساد اقتصادی در یهود در آغاز، متأثر از عوامل اعتقادی و اخلاقی دانسته شده، ولی به‌تدریج، خارج از بحث اعتقادی و ملکه نفسانی، به‌مثابه عادت رفتاری درآمد که نمونه‌هایی همچون عهدشکنی، دروغ‌گویی، ظلم، گناه و دشمنی جزو عادت‌های رفتاری یهود ذکر شده است.

## منابع

### قرآن کریم.

- آجیلی، هادی، ۱۳۹۰، *یهود و صهیونیسم از منظر قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- الوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دارالصادر.
- امین، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حامدی، مهدی، ۱۳۸۹، *صهیونیسم سراب ابدی*، قم، آیین احمد.
- حفری، یعقوب، بی تا، *تفسیر کوثر*، بی جا، بی نا.
- دادگر، یدالله، ۱۳۹۰، *مبانی و اصول علم اقتصاد*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دخیل، علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، چ دوم، بیروت، دارالعارف للمطبوعات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن الکریم*، دمشق، دارالعلم.
- رحیمی، عبدالرفیع و علی غلامی فیروزجانی، ۱۳۹۴، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی، دینی رسول خدا در مدینه»، *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۲۶، ص ۸۸۷۱.
- زکاوتی قراگزلو، علیرضا، ۱۳۸۳، *ترجمه اسباب النزول*، تهران، نشر نی.
- زخشیری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- ژیان، فاطمه، ۱۳۸۹، «عبرتی از علل و عوامل انحرافات یهود در قرآن»، *تفسیر قرآن و علوم حدیث*، سال دوم، ش ۷۰۶، ص ۱۳۴-۱۶۶.
- سزوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۹ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- سید قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالمشرق.
- شیر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین*، کویت، مکتبه الافین.
- شهبازی، عبدالله، ۱۳۷۷، *زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- \_\_\_\_، ۱۳۷۷، *جمع الجوامع*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- فضل الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت دارالملاک.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تهران، الصدر.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قمی مشهدی، محمد، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نسفی، نجم الدین، ۱۳۶۷، *تفسیر منهج الصادقین*، چ سوم، تهران، سروش.
- نیای ترشیزی، محمدابراهیم و عباس اسماعیلی زاده، ۱۳۹۷، «واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی درباره غده سرطانی بودن اسرائیل»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، ش ۴، ص ۷۶-۵۱.